

بررسی نقش تعدیل گر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ویژگی های شرکت و درماندگی مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سهیلا جدی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی اندیشه جهرم.

نام نویسنده مسئول:

سهیلا جدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش تعدیل گر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ویژگی های شرکت و درماندگی مالی در میان شرکت های فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و از لحاظ ماهیت و اهداف از نوع کاربردی است که جامعه آماری آن شامل تمام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است که با اعمال محدودیت هایی ۸۲ شرکت به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش نرم افزار ره آورد نوین نسخه ۳ و پایگاه اطلاع رسانی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، صورت های مالی و گزارشات مینا و سایت کدال سازمان بورس بوده است. برای تجزیه و تحلیل فرضیات تحقیق از نرم افزار *Eviews* استفاده شد. نتایج نشان داد که بین اهرم مالی و درماندگی مالی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین اندازه شرکت، توانایی پرداخت بدهی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری با درماندگی مالی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه منفی و معنی داری بین اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرسان با درماندگی مالی وجود داشت.

واژگان کلیدی: کیفیت حسابرسی، ویژگی های شرکت، درماندگی مالی، بورس.

مقدمه

اتخاذ تصمیمات اقتصادی و تخصیص بهینه منابع بدون وجود اطلاعات معتبر و قابل اتکا امکان پذیر نیست. جریان سرمایه زمانی به سوی فعالیتهای اقتصادی برتر سرازیر می شود که تصمیمات صاحبان سرمایه در زمینه سرمایه گذاری متکی به اطلاعات به موقع، مربوط و قابل اتکا باشد. در این فرایند حسابرسی نقش حیاتی تعیین میزان اعتبار اطلاعات را ایفا می کند. به عبارت دیگر با توجه به اینکه پاسخگویی مستلزم وجود اطلاعات معتبر و قابل اتکا است می توان گفت که حسابرسی یکی از ارکان اساسی فرایند پاسخگویی است (اعتمادی و لطفی ۱۳۹۵).

حسابرسان با گزارش های خود به صورت های مالی اعتبار می دهند. با توجه به مقوله جدایی مالکیت از مدیریت، بحث حاکمیت شرکتی و همچنین تئوری های مطرح شده مرتبط با آن، از قبیل تئوری نمایندگی و تئوری ذی نفعان، نیاز به رسیدگی و حسابرسی صورت های مالی شرکت ها کاملاً ضروری است. حسابرسی برای صورت های مالی گزارش شده ارزش افزوده مضاعف فراهم می کند.

زیرا حسابرسی مربوط بودن و قابلیت اتکای محتوای صورت های مالی را گزارش می دهد. موسسه حسابرسی با کیفیت، قادر به شناخت ارائه نادرست اقلام صورت های مالی رسیدگی شده است و می تواند به منظور ارائه صحیح آن، بر صاحب کار خود تاثیر گذار باشد (ابراهیمی، بهرامی نسب و کریمی، ۱۳۹۸).

از طرفی بحران مالی شرکت ها زیان هنگفتی برای سرمایه گذاران، طلبکاران، مدیران، کارگران، عرضه کنندگان و مشتریان ایجاد می کند. اگر کسی علت انحلال شرکت ها را بداند، با برنامه ریزی لازم، شرکت را از مرگ حتمی نجات می دهد (حمیدیان و تقی زاده ۱۳۹۶).

در چند دهه اخیر به دلیل توسعه واحدهای تجاری، افزایش فعالیت های اقتصادی، رقابتی شدن بازار و چرخه های رکود و تورم، تعداد درماندگی مالی افزایش یافته است. موضوع ورشکستگی و درماندگی مالی همواره یکی از موضوعات بحث برانگیز برای سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان، مدیران، حسابداران و کارمندان می باشد، که به شدت آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. از آنجایی که درماندگی به وضعیتی گفته می شود که واحد تجاری نتواند به طور کامل تعهدات خود را در قبال اعتبار دهندگان عمل نمایند و یا هنگام عمل به آنها دچار مشکلات مالی گردد. از طرفی درماندگی مالی به احتمال زیاد منجر به ورشکستگی می گردد. بنابراین یافتن روش هایی که بتواند درماندگی مالی را قبل از رسیدن به مرحله ورشکستگی، پیش بینی نماید، از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد و سرمایه گذاران به طور کلی به دنبال روش هایی هستند تا وضعیت مالی شرکت را قبل از رسیدن به مرحله ورشکستگی پیش بینی نمایند (احمدپور و شهسواری ۱۳۹۳).

مدیران برای اینکه به فرصتی جهت سرمایه گذاری در پروژه های با ارزش فعلی خالص مثبت دست یابند، باید قادر به تأمین مالی آن باشند. به طور کلی درماندگی مالی هزینه های بی شماری را برای شرکت ها (اعم از کلیه ذینفعان) و در سطح کلان برای کل اقتصاد به بار می آورد. لذا توجه به آن از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. با توجه به اهمیت عملیات حسابرسی در اعتبار بخشی به صورت های مالی و اطمینان بخشی به استفاده کنندگان صورت های مالی، شاغلین در مؤسسات حسابرسی نیازمند سطح بالایی از صلاحیت حرفه ای می باشند. جهت دستیابی به بالاترین سطح اثربخشی و کارایی در عملکرد حسابرسان، شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت تصمیم گیری حسابرسان حایز اهمیت می باشد تا حسابرسان قادر باشند خدمات حسابرسی را در بالاترین کیفیت ارائه دهند. با توجه به اینکه، مطالعه تحقیقات پیشین، یک شکاف اساسی تحقیقاتی، در بررسی نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ویژگی های شرکت و درماندگی مالی را نشان می دهد، به همین منظور تحقیق حاضر در جهت پاسخگویی به این امر، اهمیت و ضرورت خود را نشان می دهد. با توجه به مسائل بیان شده، در این پژوهش، سوال بر این است که آیا نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ویژگی های شرکت و درماندگی مالی تاثیر دارد؟ بین ویژگی های شرکت و درماندگی مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد؟ بین کیفیت حسابرسی و ویژگی های شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد؟ بین کیفیت حسابرسی و درماندگی مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنادار وجود دارد؟

مبانی نظری تحقیق

کیفیت حسابرسی (متغیر مستقل): نشان دهنده میزان دقت اطلاعات حسابداری رسیدگی شده توسط حسابرس مستقل می باشد. هر چه میزان تحریف اطلاعات حسابداری (بعد از حسابرسی) کمتر باشد، کیفیت حسابرسی بالاتر است. دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است کیفیت حسابرسی معرف شایستگی و توانایی حسابرس در کشف و گزارش تحریف های با اهمیت صاحبکار می باشد. احتمال اینکه حسابرس تحریف های با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال اینکه این گزارش ها را گزارش کند، به عنوان استقلال حسابرس تعبیر شده است. در این تعریف، کشف نقص، کیفیت حسابرسی را در قالب دانش و توانایی حسابرس اندازه گیری می کند، در حالی که گزارش آن بستگی به انگیزه های حسابرس برای افشاگری دارد. کیفیت حسابرسی تابعی از ویژگی های فردی حسابرس مستقل نظیر اندازه موسسه حسابرسی است (عطایی شریف، لشگری و خسروی پور، ۱۳۹۹).

در ایران، از یکسو، سازمان حسابرسی به عنوان تنها مؤسسه حسابرسی بخش دولتی و در حد بزرگ، فعالیت می نماید و از سوی دیگر، مؤسسات حسابرسی خصوصی عضو جامعه در حد متوسط فعالیت می نمایند. به طور کلی، اعتقاد بر آن است که صورت های مالی سالیانه نه تنها حسابرسی می شود بلکه محتوای آن تحت تأثیر حسابرسان مستقل قرار می گیرد. با فرض وجود چنین تأثیری و اعتقاد حسابرسان مبنی بر اینکه عملکرد آنان از طریق کیفیت گزارش های سالیانه توسط آن ها مورد قضاوت قرار می گیرد احتمال بیشتری وجود دارد که مؤسسه های حسابرسی بزرگ (با وابستگی کمتر به یک یا چند صاحبکار خود) پیشنهاد کنند که اطلاعات بیشتر و با کیفیت تری در گزارش های سالانه صاحبکاران ارائه شود.

افزون بر این احتمال بیشتری وجود دارد که صاحبکاران با عقاید و نظرات مؤسسه های حسابرسی بزرگ، بیشتر موافقت کنند. در مقابل مؤسسه های حسابرسی کوچک، توانایی تأثیرگذاری بر رویه های افشای اطلاعات صاحبکار خود را ندارند و تلاش می کنند تا نیازهای صاحبکاران را به منظور حفظ کار برآورده کنند. در مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، موضوع استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی از موضوعات بحث انگیز و چالشی روز می باشد. با توجه به قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی به بخش غیر دولتی و خصوصی سازی صنایع بزرگ و پیچیده قاعدتا در این واگذاری ها، تغییر حسابرس از بخش دولتی به بخش خصوصی، موضوعیت یافته است. در این زمینه، امور مجامع واحدهای اقتصادی، بازرگانی و خدماتی و نیز مراجع نظارتی در زمینه انتخاب حسابرس از بخش دولتی یا خصوصی و ارجاع کار حسابرسی به مسئله استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی مشتمل بر توانایی و شایستگی حسابرس توجه جدی دارند. لذا این واحدها، علاوه بر توجه به امتیاز کنترل کیفیت ناظر بر اندازه مؤسسه حسابرسی از جمله تعداد شرکا، مؤسسه حسابرسی، به مؤلفه هایی عمدتا تعداد حسابداران رسمی تحت استخدام، تعداد کارکنان حرفه ای، تعداد کارها، قدمت مؤسسه و مبلغ درآمد سالیانه مؤسسه نیز توجه جدی می نمایند (اسدی و دارابی، ۱۳۹۱).

ویژگی های شرکت (متغیر مستقل): در پژوهش حاضر از متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی به عنوان ویژگی های شرکت استفاده خواهد شد. این متغیرها به شرح زیر می باشند:

الف) اهرم مالی: اهرم مالی به عنوان یکی از شاخص های اصلی سودآوری شرکت ها به شمار می رود. در واقع اهرم مالی هنگامی اتفاق می افتد که شرکتی استقراض با بهره را تأمین مالی کند. هدف از تحلیل اهرم مالی شرکت عبارتست از تعیین اینکه آیا مدیریت قادر به تحصیل بیشتر وجوه ناشی از بدهی نسبت به هزینه های ناشی از آن می باشد یا نه. اگر چنین باشد شرکت مطلوبیت اهرم مالی را تصدیق می نماید وگرنه برآورد می گردد که اهرم مالی مطلوب نیست (حنایی ۱۳۹۹).

ب) اندازه شرکت: اندازه شرکت به عنوان جایگزینی برای ساختارهای نظری متعدد از جمله ریسک نقدشوندگی یا حتی هزینه های سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد. اندازه شرکت نقش مهمی در تعیین نوع روابط شرکت در محیط داخل و خارج ایفا می کند. این متغیر به این جهت کنترل شده است که شرکت های بزرگ ارزش بازار بیشتر و ریسک کمتری دارند و به دلیل این که توسط تحلیل گران زیادی تعقیب می شوند انگیزه بیشتری برای اجتناب از اشتباهات زیاد در پیش بینی سود دارند (حنایی ۱۳۹۹).

درماندگی مالی (متغیر وابسته): گوردون (۱۹۷۱)، در یکی از اولین مطالعات آکادمیک بر روی پریشانی مالی، بحران مالی را به عنوان کاهش قدرت سودآوری شرکت معرفی کرده است که احتمال عدم توانایی بازپرداخت بهره و اصل بدهی را افزایش می دهد. ویتاکر (۱۹۹۹) درماندگی مالی را وضعیتی می داند که در آن جریان های نقدی شرکت از مجموعه هزینه های بهره مربوط به بدهی بلند مدت کمتر است. از منظر اقتصادی، درماندگی مالی را می توان به زیان ده بودن شرکت تعبیر کرد که در آن شرکت دچار عدم موفقیت شده است. در واقع در این حالت نرخ بازدهی شرکت کمتر از نرخ هزینه سرمایه است (عطایی شریف و دیگران، ۱۳۹۹).

شرکت هایی درمانده هستند که یکی از رویدادهای زیر در مورد آن ها رخ داده باشد: ۱- بیشتر بودن هزینه بهره از سود پیش از مالیات، هزینه های مالی و استهلاک. ۲- اعلام تجدید ساختار بدهی به علت ناتوانی در تعهدات مربوط به آن. ۳- قصور در پرداخت بدهی. ۴- ورشکستگی شرکت (عارف منش، قدیریان آرانی و قدیریان آرانی، ۱۳۹۹).

نیوتن (۱۹۹۸) دلایل ورشکستگی را بطور کلی به دو دسته تقسیم کرده است:

الف) دلایل برون سازمانی

۱- ویژگی های سیستم اقتصادی: مدیریت شرکت باید تغییراتی را که در ساختار اقتصادی رخ می دهد بپذیرد. ولی نمی تواند تغییری در آن ها ایجاد کند. بلکه باید تعدیلات لازم را در عملیات شرکت در جهت این سیستم پیاده سازد. شرکت های بزرگ دارای سازمان هستند. اما شرکت های کوچکتر بیشتر در معرض خطر ورشکستگی قرار دارند، چون شرکت های بزرگ بهتر می توانند در شرایط نبود ثبات بازار مقاومت نمایند (کاردگر، سبزی و رحمانی، ۱۳۹۳).

۲- رقابت: از دلایل دیگر ورشکستگی، رقابت است، اما مدیریت کارا نقطه مقابل این دلیل است.

۳- تغییرات در تجارت و بهبودها و انتقالات در تقاضای عمومی: اگر شرکت ها از بکارگیری روش های مدرن و شناخت وسیع و بموقع خواسته های مصرف کننده جدید، ناتوان باشند شکست می خورند (کاردگر و دیگران ۱۳۹۳ به نقل از آیابی^۱ ۲۰۰۰).

۴- نوسانات تجاری: مطالعات نشان داده است که ناسازگاری بین تولید و مصرف، عدم استخدام، کاهش در میزان فروش، سقوط قیمت ها و... باعث افزایش تعداد شرکت های ورشکسته شده است. به هر حال نبود آرامش موقت عامل زیر بنایی ورشکستگی شناخته نشده است.

۵- تامین مالی: پروفیسور ناماکی^۲ با استفاده از داده های بانک جهانی برای دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۰ عنوان کرد که مشکلات مرتبط با تامین مالی بیشتر از شرایط اقتصادی، باعث ورشکستگی شرکت های کوچک می شود.

۶- تصادفات: برخی از عوامل، بسیار فراتر از کنترل شرکت هستند مانند رویدادهای طبیعی. برخی از آن ها به نام اعمال خداوند معروفند. این گروه در همه جوامع صرف نظر از سیستم خاص اقتصادی، دیده می شود.

نیوتن (۱۹۹۸) عوامل درون سازمانی ورشکستگی واحدهای تجاری را عواملی می داند که میتوان با برخی اقدامات واحد تجاری از آنها جلوگیری کرد. اغلب این عوامل ناشی از تصمیم گیری غلط است و مسئولیت آنها را باید مستقیماً متوجه خود واحدهای تجاری دانست (کاردگر و دیگران ۱۳۹۳).

ب) دلایل درون سازمانی

۱- ایجاد و توسعه بیش از اندازه اعتبار: اگر شرکت، اعطای اعتبار به مشتریان را بیش از اندازه توسعه بخشد در دریافت دیون از بدهکاران دچار مشکل می گردد. توزیع کننده ها در صورت فروش کالا به مصرف کننده قادر به پرداخت بدهی هایشان هستند، پس اعتبار اعطا شده از تولیدکننده به توزیع کننده و نهایتاً به مصرف کننده توسعه داده می شود. در این حالت یک زنجیره اعتبار ایجاد می شود و اگر یک حلقه در این زنجیره ورشکست شود خطر سقوط همه زنجیره وجود دارد. راه حل مناسب افزایش بررسی های اعتباری و محدود کردن حتی الامکان فروش های نسبه است. گرچه ممکن است برخی شرکت ها فکر کنند که از دست دادن حجم فروش های نسبه، زیان بیشتری از سوخت شدن برخی مطالباتشان برای آنها به همراه دارد. اما تصمیم

¹ Aiyabei

² Namaki

غلط درباره اعطای اعتبار ممکن است باعث ایجاد ریسک در فعالیت مالی خود شرکت گردد و این زیان های اعتباری غیر معمول، ممکن است ساختار مالی شرکت را برای ادامه فعالیت تضعیف نماید (کاردرگر و دیگران ۱۳۹۳).

۲- مدیریت ناکارا: فقدان آموزش، تجربه، توانایی و ابتکار مدیریت، عدم همکاری و ارتباط موثر مدیریت با افراد حرفه ای، واحد تجاری را در باقی ماندن در عرصه رقابت و تکنولوژی دچار مشکل می سازد. بیشترین تعداد ورشکستگی ها به این دلایل بوده اند. عدم همکاری و ارتباط موثر مدیریت با افراد حرفه ای هم در این طبقه قرار می گیرد. ادامه پژوهش تجاری دانشگاه پیتزبرگ مطالعه ای روی ۱۰ کارخانه تولیدی ناموفق طی سال های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۶ انجام داد. شرکت های ورشکسته با ۱۰ شرکت موفق مخالف یکدیگر بودند و اختلافات آن ها به شرح ذیل بود. شرکت های ناموفق سوابق ضعیف و رویه های نگهداری سوابق ضعیف داشتند، شرکت های موفق منابع زمانی و مالی بیشتری برای توسعه محصول صرف می کردند، شرکت های ناموفق فراتر از عمق تکنولوژی در دسترس خود رفته بودند، مدیران آنها از تحلیل بازار و فروش غفلت می ورزیدند. نتیجه نهایی این تحقیق نشان داد که ورشکستگی های مورد بررسی بخاطر کوچک بودن این شرکت ها نبود بلکه بخاطر مدیریت بد (سوء مدیریت) بود. برخی از این مدیریت های ناکارا بخاطر تحمیل زیاد وظایف بیش از زمان در دسترس، به یک مدیر بود. آنها مسئولیت های مختلفی داشتند که فرصت رسیدگی به همه آنها را نداشتند. شاید ورشکستگی یک فرصت مناسب برای رهایی مدیر بود که می شد از آن اجتناب ورزید. جامعه متخصصان ورشکستگی (انگلیس)، هزار و هفتصد شرکت را که طی سال ۱۹۹۲ ورشکست شده بودند بررسی کرد و دریافت که مدیریت شرکت بزرگترین دلیل سقوط شرکت ها بوده است. بعد از آن به ترتیب بازار، فقدان سرمایه گذاری اضافی لازم و تامین مالی بلند مدت عوامل ورشکستگی شناخته شدند. نیوتن (۱۹۹۸) عنوان کرد که مدیریت ناکارا نمی تواند از عواملی چون فروش های ناکافی (که منجر به ناکافی بودن باقی ماندن شرکت در عرصه تجارت می گردد)، قیمت گذاری نامناسب (که موجب پذیرش زیان روی یک قلم یا سود بسیار اندک می شود)، استفاده نادرست از دریافتی ها و پرداختی ها (عدم موفقیت در گرفتن تخفیفات عمده و عدم پرداخت بدهکارانی که دارای وضع وخیم هستند)، هزینه های سربار و عملیاتی بیش از اندازه و مخارج بهره بدهی های درازمدت بیش از اندازه (که همه هزینه های ثابت هستند که در مقابل درآمد قرار دارند و باعث بالا رفتن نقطه سر به سر می شوند) سرمایه گذاری های بیش از اندازه در دارایی های ثابت و موجودی ها (که باعث محدودیت وجوه و در دسترس نبودن آن برای ایفای سایر تعهدات می گردد)، سرمایه در گردش ناکافی و نقدینگی ضعیف (به خاطر بدهی جاری بیش از حد در نتیجه تحصیل دارایی های ثابت با استفاده از اعتبار کوتاه مدت)، ساختار سرمایه غیر موزون (نسبت نامطلوب بدهی به سرمایه)، پوشش بیمه ای نامناسب (در مقابل زیان های ناشی از آتش سوزی، سرقت و ...)، روش های ثبت نامناسب حسابداری (که باعث دسترسی نداشتن مدیریت به اطلاعات مورد نیاز برای شناسایی مشکل و پیشگیری از آن می گردد) رشد بیش از اندازه (رشد سریع باعث نیاز به وجه نقد بالا می گردد. که ممکن است شرکت در کوتاه مدت قادر به ایفای آن نباشد و برای دستیابی به آن متحمل هزینه بهره گردد) و محدودیت ریسک (شرکت هایی که مصرف کنندگان متنوعی ندارند در صورت سوخت شدن یک فروش نسبه یا ورشکستگی یک مصرف کننده به سرعت ورشکست می شوند) جلوگیری کند و هر یک از آن ها ممکن است منجر به سقوط شرکت گردد (نیوتن ۱۹۹۸).

۳- سرمایه ناکافی: در صورتی که سرمایه کافی نباشد، شرکت ممکن است قادر به پرداخت هزینه های عملیاتی و تعهدات اعتباری در سر رسید نگردد. با این حال دلیل اصلی مشکل، معمولاً سرمایه ناکافی نیست و ناتوانی در مدیریت اثر بخش سرمایه، مسئله اصلی است.

۴ - خیانت و تقلب: تعداد اندکی از ورشکستگی ها با برنامه ریزی، ساختگی و بر اثر تقلب می باشد.

جدول ۱. مروری بر مطالعات پیشین

محقق	هدف	یافته ها
عطایی شریف و دیگران (۱۳۹۹)	بررسی اثر تعاملی توانایی مدیریت و درماندگی مالی بر کیفیت حسابرسی بورس اوراق بهادار تهران	توانایی مدیریت دارای اثری کاهنده بر اقلام تعهدی است. اما این ارتباط تحت تاثیر درماندگی مالی شرکت قرار نمی گیرد. به عبارت دیگر توانایی مدیریت موجب کاهش دستکاری اطلاعات حسابداری (کاهش اقلام تعهدی اختیاری) می شود که این موضوع به ارتقای حسابرسی صورت های مالی و افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری کمک می کند.
کامیابی و دیگران (۱۳۹۸)	بررسی تاثیر فرصت های رشد، محدودیت مالی و درماندگی مالی بر سرعت تعدیل نگهداشت وجه نقد در شرکت های کوچک و متوسط	سرعت شرکت های کوچک و متوسط در تعدیل میزان وجه نقد نگهداری شده برای رسیدن به سطح هدفمند خود تحت تاثیر فرصت های رشد، محدودیت های مالی و درماندگی مالی قرار می گیرد. به عبارت دیگر نتایج پژوهش نشان می دهد که شرکت های کوچک و متوسط به دلایل نگرانی بابت از دست دادن فرصت های رشد، و همچنین محدودیت های مالی و هزینه های مربوط به درماندگی مالی به گونه ای سریع وجه نقد خود را تعدیل می کنند.
حیدری و دیگران (۱۳۹۷)	بررسی ویژگی های شرکتی نوسان پذیری سود و تصمیم ساختار سرمایه با نقش تعدیلگری درماندگی مالی توسط رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری	نوسان پذیری سود بر تصمیمات ساختار سرمایه اثر معکوس و معنی دار دارد و درماندگی مالی بر ارتباط بین نوسان پذیری و ساختار سرمایه اثر معنی دار دارد. به گونه ای که شدت ارتباط این دو متغیر در گروه شرکت های سالم قوی تر است. به طور کلی تأثیر نوسان پذیری سود بر تصمیمات ساختار سرمایه در شرکت های سالم قوی تر از شرکت های دارای محدودیت مالی می باشد.
شمس زاده و دیگران (۱۳۹۵)	بررسی رابطه بین ویژگی های مؤسسه حسابرسی و شرکاء حسابرسی با کیفیت حسابرسی	بین تخصص مؤسسه حسابرسی و تجربه شرکاء با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، همچنین بین اندازه مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. در این پژوهش رابطه معناداری بین سابقه مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی یافت نشد.
واهيو-سانتوسا و دیگران ^۳ (۲۰۲۰)	بررسی نقش تعدیل کننده رابطه کیفیت حسابرسی بین ویژگی های شرکت و درماندگی مالی در بخش معدن اندونزی	اهرم مالی، کارایی (فعالیت)، ارزش بازار، کیفیت حسابرسی و تولید ناخالص داخلی به طور قابل توجهی بر احتمال درماندگی مالی تأثیر می گذارد. فقط نقدینگی و تورم بر درماندگی مالی تأثیر نمی گذارد. علاوه بر این، تعدیل کیفیت حسابرسی اثر نقدینگی را ضعیف می کند. در غیر این صورت، اهرم و کارایی موجب پیش بینی و تقویت درماندگی مالی می شود. در مورد پیامدهای مدیریتی، این مطالعه نتیجه می گیرد که عملکرد شرکتی، حاکمیت شرکتی و عوامل خطر کلان بر احتمال درماندگی مالی تأثیر می گذارد.

شرکت ها سهام های مشتق شده خود را به طرز مختلفی پشتیبانی می کنند که از فرضیه تغییر ریسک حمایت می کنند. آنها از داده های جمع آوری شده از صنعت نفت و گاز، استفاده کردند و نشان دادند که شرکت هایی که از لحاظ مالی دچار درماندگی شده اند بیشتر در استراتژی فروش گزینه های قرار داده شده (فروش بیمه) مشارکت می کنند و استفاده از این استراتژی پس از افزایش بی رویه احتمال پیش بینی افزایش می یابد. این استراتژی برای تولید جریان نقدی در ابتدای راه است که باعث حفظ صعودی سهام برای سهامداران می شود، اما خطر ریسک برای طلبکاران را افزایش می دهد. در حالیکه بانک ها به طور مؤثر ریسک جایگزینی دارایی را بررسی می کنند.

بررسی درماندگی مالی با
ویژگی های تغییرات ریسک
و استفاده از استراتژی ها
آنکنزگارد^۴ (۲۰۱۸)

گائو و شن ^۵ (۲۰۱۷)	بررسی ارتباط جهانی بین درماندگی مالی و ویژگی بازده سهام	رابطه قوی منفی بین بازده سهام و میزان درماندگی مالی شرکت ها می باشد.
گارسیا ^۶ (۲۰۱۷)	بررسی رابطه بین ویژگی میزان سرمایه گذاری های شرکت و درماندگی مالی	به طور متوسط، شرکت هایی که درگیر آشفتگی مالی هستند، نسبت به رقابایی که دچار ورشکستگی مالی نیستند، هزینه های غیرمستقیم بیشتری را متحمل می شوند و تلاش برای باقی ماندن در بازار رقابتی را با افزایش هزینه های اعتباری در صنعت انجام می دهند.

روش تحقیق

با توجه به موضوع، به لحاظ طبقه بندی انواع پژوهش، این تحقیق از نوع توصیفی، همبستگی و از لحاظ ماهیت و اهداف از نوع کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ می باشد. به دلیل حجم بالای نمونه، با روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده و در دسترس انتخاب شد. همچنین به دلیل گستردگی حجم جامعه آماری و دشواری های خاص حاصل از آن و همچنین وجود برخی ناهماهنگی ها میان اعضای جامعه در ارتباط با داده های مورد نیاز پژوهش، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده است. نمونه آماری شامل کلیه شرکت هایی است که در بورس فعالیت داشته اند، برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری، دوره مالی آن ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

- در طی دوره مورد بررسی توقف فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشد.
- اطلاعات مورد نیاز شرکت ها، در طی دوره مورد بررسی در دسترس باشد.
- جز بانک ها و موسسات مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، شرکت های هلدینگ و لیزینگ ها) نباشد.

زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبری شرکتی در آن ها متفاوت است. با در نظر گرفتن شرایط بالا، تعداد اعضای جامعه آماری این پژوهش به تعداد ۸۲ شرکت رسید. در این پژوهش، برای سنجش متغیرها از صورت های مالی و یادداشت های همراه سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است.

برای اندازه گیری متغیرهای تحقیق از مدل رگرسیونی زیر استفاده شد:

$$FD = \beta_0 + \beta_1 LIQ_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 PBV_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

⁴ Jankensgård

⁵ Gao, Parsons & Shen

⁶ Garcia

رابطه (۱-۱)

$$FD = \beta_0 + \beta_1 LIQ_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 PBV_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 AQL_{it} + \beta_6 (LIQ \times AQL)_{it} + \beta_7 (LEV \times AQL)_{it} + \beta_8 (PBV \times AQL)_{it} + \beta_9 (SIZE \times AQL)_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۱-۲)

FD = درماندگی مالی که از طریق **Z** آلتمن سنجیده می شود.

LIQ = توانایی پرداخت بدهی که از تقسیم دارایی جاری بر بدهی جاری محاسبه می شود.

LEV = اهرم مالی که از تقسیم کل بدهی بر کل حقوق صاحبان سرمایه محاسبه می شود.

PBV = قیمت به ارزش دفتری

SIZE = اندازه شرکت؛ از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی ها محاسبه می شود.

AQL = کیفیت حسابرسی؛ متغیر مستقل در این پژوهش، شاخص های کیفیت حسابرسی است. اندازه مؤسسه حسابرسی

و تداوم انتخاب حسابرس شاخص های کیفیت حسابرسی هستند. اندازه مؤسسه حسابرسی، متغیر موهومی در نظر گرفته شده است که در صورت حسابرسی شرکت به وسیله سازمان حسابرسی، عدد یک و در غیر این صورت، صفر به آن اختصاص داده می شود. تداوم انتخاب حسابرس، تعداد سال های متوالی است که یک حسابرس، مسئولیت حسابرسی یک شرکت را بر عهده می گیرد. از صورت های مالی شرکت ها برای تعیین تداوم انتخاب حسابرس استفاده شد.

یافته های تحقیق

(جدول ۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
درماندگی مالی	۹/۶۰۲	۸/۸۸۴	۲۴/۲۸۴	۲/۹۰۳	۴/۳۴۳
اندازه شرکت	۶/۳۲۶	۶/۲۸۹	۷/۶۳۱	۵/۴۸۵	۰/۴۳۴
اهرم مالی	۰/۵۸۶	۰/۵۹۳	۰/۸۲۶	۰/۲۸۹	۰/۱۳۵
توانایی پرداخت بدهی	۱/۳۴۵	۱/۳۲۴	۲/۳۸۵	۰/۶۲۰	۰/۳۸۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۵/۴۹۷	۳/۸۰۷	۶/۷۲۶	۰/۹۶۱	۴/۶۳۱
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۱۳۹	۰	۱	۰	۰/۳۴۷
دوره تصدی حسابرس	۳/۴۵۴	۲	۱۵	۱	۳/۰۶۹

متغیر اندازه موسسه حسابرسی دارای میانگین ۰/۱۳۹ است و نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته اند. همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، میانه متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۵۳۶ که نشان می دهد نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی، پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از جمله مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است مقدار این پارامتر برای متغیر اندازه موسسه حسابرسی برابر ۰/۳۴۷ و برای متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری برابر با ۴/۶۳۱ است که نشان می دهد در بین متغیرهای پژوهش، اندازه موسسه حسابرسی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان پراکندگی هستند.

(جدول ۲) نتایج آزمون لوین، لین و چو

نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری
درماندگی مالی	-۱۵/۵۲۷	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۲۸/۲۶۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۴۸/۸۴۹	۰/۰۰۰
توانایی پرداخت بدهی	-۳۱/۲۷۵	۰/۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۳۰/۵۱۶	۰/۰۰۰
اندازه موسسه حساسی	-۲/۷۹۳	۰/۰۰۲
دوره تصدی حسابرس	-۲۴/۲۲۳	۰/۰۰۰

همان طور که در جدول نتایج آزمون لوین، لین و چو ملاحظه می شود، در متغیرهای مستقل، تعدیل کننده و وابسته سطح معناداری آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو کوچکتر از ۰/۰۵ است که نشان می دهد کلیه متغیرهای پژوهش ایستا می باشند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیر در طول زمان و کوواریانس متغیر بین سال های مختلف ثابت است. در نتیجه، شرکت های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی شود.

(جدول ۳) ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

نام متغیر	درماندگی مالی	اندازه شرکت	اهرم مالی	توانایی پرداخت بدهی	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	اندازه موسسه حساسی	دوره تصدی حسابرس
درماندگی مالی	۱						
اندازه شرکت	۰/۰۲۳	۱					
اهرم مالی	-۰/۴۸۰	۰/۰۶۱	۱				
توانایی پرداخت بدهی	۰/۵۳۴	-۰/۰۹۵	-۰/۴۹۱	۱			
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۶۳۵	۰/۰۵۰	۰/۰۸۸	-۰/۰۶۱	۱		
اندازه موسسه حساسی	۰/۰۱۳	۰/۲۷۰	-۰/۰۲۶	۰/۰۷۷	-۰/۰۷۵	۱	
دوره تصدی حسابرس	۰/۰۷۹	۰/۲۲۳	۰/۰۰۸	۰/۰۲۲	۰/۰۵۲	۰/۸۲۵	۱

ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق منطقی است که نشان دهنده عدم وجود همبستگی بین متغیرهای تحقیق است. در جهت تفسیر نتایج حاصله؛ به عنوان مثال می توان گفت که ضریب همبستگی بین دو متغیر اندازه موسسه حساسی و اندازه شرکت برابر ۰/۲۷۰ است که طبق طبقه بندی کوهن می توان گفت قدرت همبستگی بین این دو متغیر کم است.

(جدول ۴) نتایج آزمون بروش پاگان گادفری

سطح معناداری	آماره آزمون	فرضیه
۰/۰۰۰	۱۲/۵۵۷	فرضیه اصلی اول
۰/۰۰۰	۱۵/۰۹۹	فرضیه فرعی اول
۰/۰۰۰	۱۲/۶۵۹	فرضیه فرعی دوم
۰/۰۰۰	۱۳/۱۶۹	فرضیه فرعی سوم
۰/۰۰۰	۱۴/۵۲۴	فرضیه فرعی چهارم
۰/۰۰۰	۱۳/۲۶۵	فرضیه اصلی سوم

نتایج به دست آمده از آزمون بروش پاگان گادفری حاکی از رد فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس ها برای مدل های رگرسیونی است، لذا در مدل های برآورد شده، ناهمسانی واریانس وجود دارد ($\text{sig} < ۰/۰۵$).

(جدول ۵) نتایج آزمون توزیع نرمال جملات خطا

نتیجه آزمون	سطح معناداری	جارك برا	فرضیه
توزیع غیر نرمال	۰/۰۰۰	۱۷۲/۲۳۳	فرضیه اصلی اول
توزیع غیر نرمال	۰/۰۰۰	۲۱/۶۷۸	فرضیه فرعی اول
توزیع غیر نرمال	۰/۰۰۰	۲۷/۳۸۲	فرضیه فرعی دوم
توزیع غیر نرمال	۰/۰۰۰	۷۷/۱۵۷	فرضیه فرعی سوم
توزیع غیر نرمال	۰/۰۰۰	۷۶/۲۶۲	فرضیه فرعی چهارم
توزیع غیر نرمال	۰/۰۰۰	۴۶/۸۲۶	فرضیه اصلی سوم

مقدار احتمال آماره جارك-برا برای مدل های پژوهش حاضر کوچک تر از ۵ درصد می باشد، بر همین اساس فرض صفر مبنی بر توزیع نرمال باقیمانده ها برای همه ی مدل ها رد می شود، اما براساس قضیه ی حد مرکزی اگر تعداد مشاهدات آماری بیش از ۳۰ عدد باشد و یا به عبارتی نمونه آماری بزرگ باشد، فرض می شود داده ها نرمال بوده و نیازی به انجام این آزمون نیست. (افلاطونی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). بنابراین با توجه به تعداد مشاهدات در پژوهش حاضر (۴۱۰) فرض بر این است که توزیع آماری متغیرهای پژوهش نرمال می باشد.

(جدول ۶) نتایج آزمون عامل تورم واریانس (VIF)

نام متغیر	VIF	نتیجه آزمون
اندازه شرکت	۱/۰۵۲	عدم هم خطی
اهرم مالی	۱/۲۷۸	عدم هم خطی
توانایی پرداخت بدهی	۱/۰۴۴	عدم هم خطی
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۱/۲۹۰	عدم هم خطی

نتایج آزمون عامل تورم واریانس نشان می دهد که هم خطی کامل بین متغیرهای مستقل در مدل وجود نداشته و فرض اول مدل رگرسیون برقرار است.

(جدول ۷) نتایج آزمون چاو

فرضیه	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
فرضیه اصلی اول	۲/۱۲۶	۷۱/۲۱۰	۰/۰۰۰	روش تابلویی
فرضیه اصلی دوم	۲۴۶/۲۲۱	۷۵/۲۹۱	۰/۰۰۰	روش تابلویی
	۸/۸۱۶	۸۰/۲۸۶	۰/۰۰۰	روش تابلویی
	۸/۷۷۹	۸۰/۲۸۶	۰/۰۰۰	روش تابلویی
	۱/۰۶۱	۸۱/۲۸۵	۰/۳۵۵	روش تلفیقی
فرضیه اصلی سوم	۲/۰۹۱	۸۰/۲۸۶	۰/۰۰۰	روش تابلویی

همان طور که در آزمون چاو مشاهده می شود سطح معناداری این آزمون در فرضیه فرعی چهارم بیشتر از ۵ درصد می باشد، در نتیجه از روش داده های تلفیقی استفاده می شود. در حالی که برای مابقی فرضیه های پژوهش با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون چاو کمتر از ۵ درصد می باشد، در نتیجه از روش داده های تابلویی استفاده می شود.

(جدول ۸) نتایج آزمون هاسمن

فرضیه	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
فرضیه اصلی اول	۱۷/۶۵۰	۴	۰/۰۰۱	اثرات ثابت
فرضیه اصلی دوم	۱۷/۰۴۰	۴	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
	۱/۲۳۹	۲	۰/۵۳۸	اثرات تصادفی
	۴/۸۷۰	۲	۰/۰۸۷	اثرات تصادفی
	۱۳/۵۷۵	۲	۰/۰۰۱	اثرات ثابت
فرضیه اصلی سوم	۱۳/۵۵۵	۲	۰/۰۰۱	اثرات ثابت

همان طور که در آزمون چاو مشاهده می شود سطح معناداری آزمون چاو کمتر از ۵ درصد می باشد، در نتیجه از روش داده های تابلویی استفاده می شود. هم چنین با توجه به نتایج جدول آزمون هاسمن، سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد، از این رو از روش اثرات ثابت استفاده می شود و هم چنین برای مدل هایی که سطح معناداری آزمون هاسمن بیشتر از ۵ درصد می باشد، از روش اثرات تصادفی استفاده می گردد.

فرضیه اول: بین ویژگی های شرکت و در ماندگی مالی رابطه معناداری وجود دارد.

(جدول ۹) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی اول

نام متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
اندازه شرکت	-۲/۴۹۳	۰/۸۷۹	-۲/۸۳۳	۰/۰۰۵
اهرم مالی	۱/۰۲۳	۰/۲۹۶	۳/۴۵۷	۰/۰۰۰
توانایی پرداخت بدهی	-۷/۱۳۱	۰/۱۵۹	-۴۴/۸۱۲	۰/۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰/۶۰۰	۰/۰۲۳	-۲۵/۶۵۸	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	-۱۷/۲۶۶	۰/۸۴۵	-۳/۵۶۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۸۹۷			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۶۱			
دوربین واتسون	۱/۶			

۲۴/۶۰۰	آماره F
۰/۰۰۰	معناداری آماره F

برای آزمون فرضیه اصلی اول، رابطه متغیر وابسته یعنی درماندگی مالی و به همراه متغیرهای مستقل (ویژگی های شرکت که شامل اندازه شرکت، اهرم مالی، توانایی پرداخت بدهی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری می باشد) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی نشان داد بر اساس مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره (۰/۰۰۰)، مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. در این مدل ضریب تعیین برابر با ۰/۸۹۷ است. که بیانگر این است که تقریباً ۹۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل قابل توضیح است. افزون بر این، نتایج حاصل از بررسی خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین-واتسون که برابر ۱/۶ است، بیانگر عدم همبستگی بین خطاهای مدل است. هم چنین با توجه به نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرها ملاحظه می شود که سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر اندازه شرکت، توانایی پرداخت بدهی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری کمتر از ۰/۰۵ بوده و ضریب آن منفی می باشد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت رابطه منفی و معنی داری بین اندازه شرکت، توانایی پرداخت بدهی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری با درماندگی مالی وجود دارد. علاوه بر این، سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر اهرم مالی کمتر از ۰/۰۵ بوده و ضریب آن مثبت می باشد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت رابطه مثبت و معنی داری بین اهرم مالی با درماندگی مالی وجود دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود. افزون بر این سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر اهرم مالی کمتر از ۰/۰۵ است که حاکی از رابطه ای مثبت و معناداری با درماندگی مالی است.

آزمون فرضیه دوم: بین کیفیت حسابرسی و درماندگی مالی رابطه معنادار وجود دارد.

(جدول ۱۴) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی سوم

نام متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
اندازه موسسه حسابرسی	-۱۰/۸۸۱	۳/۸۷۲	-۲/۸۰۹	۰/۰۰۵
دوره تصدی حسابرس	-۰/۶۱۳	۰/۳۰۲	-۲/۰۳۰	۰/۰۴۳
مقدار ثابت	۸/۸۹۲	۰/۷۴۶	۱۱/۹۰۹	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۷۲۵			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۸۵			
دوربین واتسون	۱/۸			
آماره F	۲/۰۷۱			
معناداری آماره F	۰/۰۰۰			

برای آزمون فرضیه اصلی سوم، رابطه متغیر وابسته یعنی درماندگی مالی به همراه متغیر کیفیت حسابرسی (با دو معیار اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس اندازه گیری شده است) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی نشان داد مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره (۰/۰۰۰)، نشان می دهد که مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. در این مدل ضریب تعیین برابر با ۰/۷۲۵ است. که بیانگر این است که تقریباً ۷۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل قابل توضیح است. افزون بر این، نتایج حاصل از بررسی خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین-واتسون که برابر ۱/۸ است، بیانگر عدم همبستگی بین خطاهای مدل است. هم چنین با توجه به نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرها ملاحظه می شود که سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس کمتر از ۰/۰۵ بوده و ضریب آن منفی می باشد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت

رابطه منفی و معنی داری بین اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس با درماندگی مالی وجود دارد. بنابراین فرضیه اصلی سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

نتایج

نتایج حاصل از فرضیه اصلی اول تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین ویژگی های شرکت و درماندگی مالی می باشد. ماسدویی و دیگران^۷ (۲۰۱۸) و کومالاساری و دیگران^۸ (۲۰۱۴) نشان دادند که توانایی پرداخت بدهی تأثیر منفی و معناداری بر درماندگی مالی دارد. در راستای تحقیقات فوق، نتایج تحقیقات آیو و دیگران^۹ (۲۰۱۷) نیز نشان داد که توانایی پرداخت بدهی تأثیر منفی بر درماندگی مالی دارد. هم چنین آستوتی و پامودجی^{۱۰} (۲۰۱۵) بیان کردند که توانایی پرداخت بدهی تأثیر منفی بر احتمال درماندگی مالی دارد. بنابراین با توجه به نتیجه این پژوهش که بین توانایی پرداخت بدهی و درماندگی مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد می توان نتیجه گرفت که شرکت هایی که نسبت توانایی پرداخت بدهی بالایی دارند، کمتر در معرض درماندگی مالی قرار می گیرند. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش های ماسدویی و دیگران^{۱۱} (۲۰۱۸)، کومالاساری و دیگران^{۱۲} (۲۰۱۴) و سانتوسا و دیگران^{۱۳} (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

کریستانتی و هروانی^{۱۴} (۲۰۱۷) اظهار داشتند که اهرم مالی (نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام) تأثیر مثبتی بر درماندگی مالی دارد زیرا اهرم مالی بیشتر ریسک مالی شرکت را به ویژه توانایی پوشش بدهی های بلندمدت خود را به همراه دارد. هم چنین لی و میو^{۱۵} دریافتند (۲۰۱۰)، اهرم مالی تأثیر مثبتی بر درماندگی مالی دارد. کاشولی و کنچل^{۱۶} (۲۰۱۲) یافته های مشابهی را پیدا کردند که نشان می دهد اهرم مالی (پرداخت بدهی) تأثیر مثبت و معناداری بر درماندگی مالی دارد. بنابراین با توجه به نتیجه این پژوهش که بین اهرم مالی و درماندگی مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد می توان نتیجه گرفت که، بدهی می تواند ارزش را افزایش داده و درماندگی مالی را کاهش دهد، اما اگر نسبت بدهی (اهرم مالی) افزایش یابد ریسک درماندگی مالی را افزایش می دهد. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش های بیور و دیگران^{۱۷} (۲۰۱۰)، سانتوسا^{۱۸} (۲۰۱۹) و سانتوسا و دیگران^{۱۹} (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

آنانتو و دیگران^{۲۰} (۲۰۱۷) بیان می کنند که سودآوری تأثیر منفی و معناداری بر درماندگی مالی دارد. با توجه به نتایج تحقیقات، بیور و دیگران^{۲۱} (۲۰۱۰) و ماسدویی و دیگران^{۲۲} (۲۰۱۸) نتایج مشابهی را پیدا کردند که سودآوری بر درماندگی مالی تأثیر منفی دارد. بنابراین با توجه به نتیجه این پژوهش که بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و درماندگی مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد می توان نتیجه گرفت که کاهش سود شرکت ها منجر به کاهش توانایی شرکت در پرداخت بدهی های کوتاه مدت و بلند مدت می شود که باعث ایجاد درماندگی مالی می شود. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش های بریگهام و هوستون^{۲۳} (۲۰۱۶)، کمال الدین و دیگران^{۲۴} (۲۰۱۹)، آلتمن و دیگران^{۲۵} (۲۰۱۹) و سانتوسا و دیگران^{۲۶} (۲۰۲۰) مطابقت

⁷ Masdupiet al.

⁸ Kumalasari et al.

⁹ Ayu et al.

¹⁰ Astuti and Pamudji

¹¹ Masdupiet al.

¹² Kumalasari et al.

¹³ Kristanti and Herwany

¹⁴ Li and Miu

¹⁵ Causholli & Knechel

¹⁶ Beaver et al.

¹⁷ Santosa

¹⁸ Ananto et al.

¹⁹ Beaver et al.

²⁰ Brigham & Houston

²¹ Kamaluddin et al.

²² Altman et al.

دارد. پراسیتوو فاجروروز^{۲۳} (۲۰۱۶) دریافتند که نسبت کارایی بر پیش بینی درماندگی مالی تأثیر منفی می گذارد. نتایج این مطالعه با یافته های هدایت و میرانتو^{۲۴} (۲۰۱۴) مطابقت دارد. بنابراین با توجه به نتیجه این پژوهش که بین اندازه شرکت و درماندگی مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد می توان نتیجه گرفت که اگر شرکت نتواند از دارایی های خود به طور موثر در ایجاد درآمد (فروش) استفاده کند، در این صورت شرکت در رقابت تجاری دچار مشکل می شود. در واقع، کاهش درآمد باعث کاهش سود عملیاتی و سود خالص می شود و حتی شرکت ها تهدید، به از دست دادن وجه نقد یا سود هر سهم منفی می شوند. این وضعیت مشکلات مالی را ایجاد می کند و منجر به درماندگی مالی می شود. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش های بریگهام و هوستون^{۲۵} (۲۰۱۶)، آلتمن و دیگران^{۲۶} (۲۰۱۹) و سانتوسا و دیگران (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از فرضیه اصلی سوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین کیفیت حسابرسی و درماندگی مالی می باشد. کاشولی و کنچل (۲۰۱۲) و آنانتو و دیگران (۲۰۱۷) دریافتند که ویژگی های شرکت بر درماندگی مالی تأثیر منفی می گذارند. در واقع، تأثیر کیفیت حسابرسی پایین در سال های بعد برای شرکت ها همچنان ادامه دارد و فرصت سرمایه گذاری و مشکلات اقتصادی، را در آینده تقویت می کند (دو و لای ۲۰۱۸). لذا، کیفیت حسابرسی می تواند متغیرهای عملکرد مالی را تعدیل کند. تانی و اسمیت (۲۰۱۵) بیان می کنند که کیفیت کمیته حسابرسی شرکت ها را وادار می کند که از حاکمیت شرکتی به طور مطلوب پیروی کنند (صالح و مارا ۲۰۱۹). بنابراین با توجه به نتیجه این پژوهش که بین کیفیت حسابرسی و درماندگی مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد می توان نتیجه گرفت که، کیفیت حسابرسی بالاتر، درماندگی مالی را در شرایط عادی عملکرد مالی، کاهش می دهد. با این حال، کیفیت حسابرسی پایین منجر به درماندگی مالی شود. به عبارتی، عملکرد شرکت ها و حاکمیت شرکتی بر درماندگی مالی تأثیر می گذارد. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش های کاشولی و کنچل (۲۰۱۲)، آنانتو و دیگران (۲۰۱۷) و سانتوسا و دیگران (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

²³ Prasetyo & Fachrurrozie

²⁴ Hidayat and Meiranto

²⁵ Brigham & Houston

²⁶ Altman et al.

منابع

- [۱] ابراهیمی، کاظم؛ بهرامی نسب، علی و کریمی، اسحاق. ۱۳۹۸. اثر تعاملی اندازه مؤسسه حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی، بحران مالی و هزینه های نمایندگی، در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز. دوره یازدهم، شماره ۲، ۱-۳۴.
- [۲] اعتمادی، حسین و لطفی، سلمان. ۱۳۹۵. پیش بینی تغییر حسابرسی با استفاده از متغیرهای در ماندگی مالی با رویکرد داده کاوی. فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. دانشکده اقتصاد و حسابداری واحد تهران مرکزی. دوره هشتم، شماره ۲۹، ۱۲۵-۱۴۸.
- [۳] حمیدیان، محسن و تقی زاده، نفیسه. ۱۳۹۷. کیفیت حسابرسی، حمایت از سرمایه گذاران و مدیریت سود در دوران بحران مالی. دانش حسابرسی. دوره هجدهم، شماره ۱۲۹، ۷۱-۱۴۸.
- [۴] حنایی، فاطمه. ۱۳۹۹. بررسی رابطه ی بین اهرم مالی و پیش بینی سود آتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری. موسسه آموزش عالی اندیشه جهرم.
- [۵] عارف منش، زهره؛ قدیریان آرانی، محمدحسین و قدیریان آرانی، زهره. ۱۳۹۹. بحران مالی و تجدید ارائه صورت های مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی، مطالعات تجربی حسابداری مالی. سال هفدهم، شماره ۶۷، ۲۰۳-۲۲۷.
- [۶] عطایی شریف، عباس؛ لشگری، زهرا و خسروی پور، نگار. ۱۳۹۹. اثر تعاملی توانایی مدیریت و درماندگی مالی بر کیفیت حسابرسی بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی. سال بیستم، شماره ۷۸، ۷۶-۹۶.
- [۷] علوی طبری، حسین و عطا بخش، راضیه. ۱۳۸۹. نقش کمیته حسابرسی و بررسی موانع ایجاد و به کارگیری آن در ایران. پیشرفت های حسابداری در دانشگاه شیراز، شماره اول، صص ۱۷۷-۱۵۵.
- [۸] کاردگر، ابراهیم؛ سبزی، محمود و رحمانی، هادی. ۱۳۹۳. ورشکستگی و مشتری مداری. بیست و یکمین همایش ملی و هفتمین همایش بین المللی بیمه و توسعه، تهران.
- [۹] کامیابی، یحیی؛ حسن نتاج کردی، محسن، ابراهیمی، جمیل. ۱۳۹۸. تاثیر فرصت های رشد، محدودیت مالی و درماندگی مالی بر سرعت تعدیل نگهداشت وجه نقد در شرکت های کوچک و متوسط. دانش حسابداری مالی. دوره ششم، شماره ۴، ۹۹-۱۳۱.
- [10] Aiyabei J. 2000. Financial Distress: Theory, Measurement & Consequence. Journal of Humanities and Social Sciences, September.
- [11] Ayu, A., Handayani, S., & Topowijono, T. 2017. Pengaruh Likuiditas, Leverage, Profitabilitas, dan Ukuran Perusahaan terhadap Financial Distress: Studi pada Perusahaan Manufaktur Sektor Industri Dasar dan Kimia di Bursa Efek Indonesia. Jurnal Administrasi Bisnis S1 Universitas Brawijaya, 43(1), 138-147.
- [12] Beaver, W. H., Correia, M., & McNichols, M. F. 2010. Financial statement analysis and the prediction of financial distress. Foundations and Trends in Accounting, 5(2), 99-173.
- [13] Brigham, E. F., & Houston, J. F. 2016. Fundamentals of Financial Management(14th ed.). New York: Cengage.
- [14] Causholli, M., & Knechel, R. 2012. Lending relationships, auditor quality and debt costs. Managerial Auditing Journal, 27(6), 550-572.
- [15] Cohen, J. 1988. Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences.(2nd ed). USA: Lawrence Erlbaum Associates.
- [16] DeAngelo, L. 1981. Auditor size and auditor quality. Journal of Accounting and Economics, 3, 183-199.
- [17] Du, X., & Lai, S. 2018. Financial Distress, Investment Opportunity, and the Contagion Effect of Low Audit Quality: Evidence from China. Journal of Business Ethics, 147(3), 565-593.

- [18] Fariruzana, R. 2006. Board, audit committee, culture and earnings management: malaysian evidence, *Managerial Accounting Journal*; 21(7): 783-804.
- [19] Gao, P. , Parsons, C. A. , & Shen, J. 2017. Global relation between financial distress and equity returns. *The review of financial studies*, 31(1), 239-277.
- [20] Garcia-Appendini, E. 2017. Financial distress and corporate investment. *Review of economics and statistics*, 78(1), 1-15.
- [21] López-Gutiérrez, C. , Sanfilippo-Azofra, S. , & Torre-Olmo, B. 2015. Investment decisions of companies in financial distress. *BRQ Business Research Quarterly*, 18(3), 174-187.
- [22] Martínez-Sola, C. , García-Teruel, P. J. , & Martínez-Solano, P. 2018. Cash holdings in SMEs: speed of adjustment, growth and financing. *Small Business Economics*, 1-20.
- [23] Masdupi, E., Tasman, A., & Davista, A. 2018. The Influence of Liquidity, Leverage and Profitability on Financial Distress of Listed Manufacturing Companies in Indonesia. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 57, 223-228.
- [24] Perdana W. S., Martua E. T., and Eva R. K. 2020. The role of moderating audit quality relationship between corporate characteristics and financial distress in the Indonesian mining sector. *Investment Management and Financial Innovations*, 17(2), 88-100.
- [25] Prasetyo, R. A., & Fachrurrozie. 2016. Analysis of Factors Effecting on The Probability of Financial Distress. *Accounting Analysis Journal*, 5(4), 370-380.
- [26] Salleh, K., & Mara, K. U. P. 2019. Audit Report of Financial Distress Companies: Empirical Evidence. *International Journal of Business and Economy*, 1(2), 1-12.
- [27] Santosa, P. W., Tambunan, M. E., & Kumullah, E. R. 2020. The role of moderating audit quality relationship between corporate characteristics and financial distress in the Indonesian mining